



۲۰۱۷/۰۷/۰۸

ارسالی: نبیل عزیزی

منبع: روزنامه اطلاعات روز

خاطره تلخ و فراموش ناشدنی عبدالباری جهانی



هرچند که از این خاطره تلخ و شب تلخ دو ونیم سال می‌گذرد، با آن هم هیچ تغییری در امور اداری حکومت افغانستان و پارلمان نیامده است

در جنوری سال ۲۰۱۵، رییس‌جمهور محمد اشرف غنی از طریق تماس تلفنی دعوت کرد که وزارت اطلاعات و فرهنگ را بپذیریم. دعوت او را پذیرفتم؛ به‌خاطری که آن را یک موقعیت خوب برای خدمت به فرهنگ کشور می‌شمردم. بر اساس درخواست آن‌ها تقریباً یک ماه بعد (ماه فیروزی) به کابل رفتم و به رسم معمول به دیدار دوستان خود از جمله حاجی آغا لالی دستگیر عضو شورای ولایتی قندهار رفتم و بنا بر خواست و کمک او به دیدار و رفتن به خانه‌های وکلا، بزرگان جهادی و سیاسی شروع کردم. مسابقه‌ی دیدار با وکلا میان شانزده نامزدوزیر شروع بود و نامزدوزیری از همه بیشتر موفق بود که وکلای بیشتری را ملاقات می‌کرد. شاید بسیاری از کاندیدوزیران، وکلا را در خانه‌ها و رستوران‌های خویش هم میزبانی کرده باشند. الحمدلله من تنها وزیری هستم که کمترین تعداد وکلا را – آن هم به احترام حاجی آغا لالی که هیچ‌وقت احترامش را فراموش نخواهم کرد – ملاقات نموده‌ام. بسیاری از وزیران به بسیاری از وکلا یا به اصطلاح بزرگان جهادی، وعده‌ها یا پول نقد داده بودند یا پذیرفته بودند که بدهند، اما من به هیچ‌یکی از وکلا، که بعضی‌هایشان حتا ارزش یک بار ملاقات کردن را هم نداشتند، نه وعده و نه هم پول نقد داده بودم؛ به همین خاطر نسبت به وزیران دیگر رای اعتماد کمتری از مجلس نمایندگان به‌دست آوردم.

اول صبح چهارم اپریل، غلام نبی فراهی، وزیر دولت در امور پارلمانی، از طریق تلفن به من گفت که شام با هیچ‌کسی قرار نگذارم، چون جای مهمی می‌رویم. شام همان روز به من گفت که برای صرف نان شب، مهمان حاجی ظاهر قدیر، معاون اول مجلس نمایندگان هستیم. حوالی ساعت هفت شام همان روز، به خانه‌ی حاجی ظاهر در شیرپور رفتیم. در سرک‌ها و خانه آن‌قدر موتر ایستاد بود که پیاده‌روی هم امکان نداشت. در منزل آخر، قبل از ورود به اتاق جلسه، تلفن‌های تمام کاندیدوزیران گرفته شد، سپس به اتاق جلسه رهنمایی شدیم. مجلس تازه شروع شده بود که صاحب خانه گفت این خانه تحت ترمیم است، بیایید به خانه‌ی دیگری برویم. تلفن‌های ما را برگرداند و در ساحه‌ی نزدیک به خانه‌ی بسیار بزرگی ما را برد (مقصودش حتما نشان دادن دو خانه‌ی بزرگ و نوکران زیادش در یک ساحه‌ی مهم به ما بود) دوباره تلفن‌های ما را گرفت و تمام کاندیدوزیران را در یک اتاق کوچک جابه‌جا کرد.

دو ساعت ما به‌شمول نان خوردن در این خانه سیری شد. تمامش را حاجی ظاهر سخن گفت. کاندیدوزیران به طرف هم نگاه می‌کردند. اگر هم کسی جرأت بیان نیم جمله را کرده بود، به ذهن من نمی‌آید. من خودم آن‌قدر گیج بودم که به گوش‌های خود باور نمی‌توانستم، درست مثل این‌که در خانه‌ی جنیات نشسته باشم و به صداها و غالمغال‌های بی‌مفهوم گوش سپرده باشم.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

حقیقت این است که من چیزی از تقریباً یک ساعت سخنرانی حاجی ظاهر نفهمیدم تا این‌که او به ما گفت که اعضای کابینه برای به‌دست آوردن رای اعتماد از پارلمان، با مشکل بسیار بزرگی مواجه‌اند. پارلمان به گروه‌های جداگانه تقسیم شده؛ احتمال رد شدن اکثریت کاندیدوزیران وجود دارد و اگر چنین شود، هم به حیثیت رییس‌جمهور صدمه می‌رسد و هم بحرانی به‌میان خواهد آمد که هیچ‌کسی نخواهد فهمید که چه ممکن است اتفاق بیفتد. او گفت که رییس‌جمهور سه‌چهار بار تقاضا کرده است. دست زیر الاشه گرفته و با زاری و عذر برایش گفته است که بچه‌ی ماما! هر قسمی که می‌شود حل‌اش کن! حاجی ظاهر بعد از صرف غذا، هنگام نوشیدن چای با اطمینان گفت که برادران و خواهران! در ولسی جرگه، بدون کار گرفتن از پول نقد، امکان اخذ رای اعتماد وجود ندارد. او گفت که من می‌دانم که تمام کاندیدوزیران آن‌قدر پول ندارند که به وکلا بدهند و رای بیاورند. در همین زمان، رویش را به طرف من چرخاند و با قیافه‌ی حق‌به‌جانب گفت که شما چه فکر می‌کنید؟ من همین‌طور مفت معاون اول مجلس نمایندگان شده‌ام؟ من برای تصاحب این چوکی، سیصدوهفتاد هزار دالر مصرف کرده‌ام. حاجی ظاهر گفت که برای گرفتن رای هر وکیل، از پنج تا ده هزار دالر ضرور است، با این حساب هر کاندیدوزیر باید برای به‌دست آوردن رای اعتماد از پنجاه تا صد هزار دالر مصرف کند. او گفت که من می‌فهمم تمام کاندیدوزیران نمی‌توانند این پول را فراهم کنند؛ ما برای آن‌عده وزیرانی که پول ندارند، همین لحظه یک میلیون دالر در موتر خود آورده‌ایم (خدا کند که کسی نشنود و موترم را دزدی نکند، چون که پول بسیاری است. هر چند که موترم را جای درستی ایستاد کرده‌ام) هر وزیر، هر مبلغ پولی که ضرورت داشته باشد، من برایش می‌دهم. وزیرانی که خود پول دارند، چاره‌ی خود را بکنند. ساعت نهمیم، ده شب شد که تلفن‌های ما را برگرداند. من به‌لحاظ ذهنی آن‌قدر تحت فشار بودم که تمام شب از سردردی خواب نرفتم و خوب به‌یادم است که تا صبح، سه دفعه تابلت سردردی خوردم. من تصور این‌قدر چشم‌سفیدی و شنیدن سخنان به این‌حد کثیف را نداشتم. معاون اول پارلمان، با شانزده تن از کاندیدوزیران تحصیل‌کرده که اکثریت‌شان مافوق لیسانس بودند، با دلیری تمام از فساد در مجلس نمایندگان سخن گفت و با چشم‌سفیدی تمام از ما تقاضای رشوه و فساد کرد. این سخن شاید برای من نامطلوب بود، چون چنان تاثیر بدی روی من گذاشت که تمام شب خواب از چشمانم پریده بود و من بعداً از هیچ وزیری نشنیدم که در مورد آن شب تبصره‌ی منفی کرده باشد یا هم تعجب کرده باشد.

فردایش یعنی ششم اپریل، در منزل داکتر عبدالله رییس اجرائیه در کارته پروان، نشستی بود. در این مجلس که ما فکر می‌کردیم جناب داکتر صاحب هم تشریف خواهد داشت، تنها ما شانزده نامزدوزیر حاضر بودیم. عبدالستار مراد، وزیر اقتصاد که ریاست مجلس را به‌عهده داشت، به تمام ما گفت که تلفن‌های‌مان را خاموش کنیم و دور بگذاریم. بعدش خود وزیر اقتصاد در ادامه‌ی صحبت‌های شب گذشته، صحبت مفصلی نمود. اکثریت کاندیدوزیران زیر لب و سخنان میهمی گفتند که من چندان نفهمیدم. نامزدوزیر وزارت سرحدات، اقوام و قبایل، محمد گلاب منگل گفت که ما با وضعیت تلخی مواجه‌ایم. اکثریت وکلای پارلمان، رای خود را در بدل پول می‌فروشنند. نظر به معلومات او، از جمع وزرای حاضر، تنها وزیر حج و اوقاف به وکلا پول نداده است، باقی همه به زور پول رای اعتماد مجلس را به دست آورده‌اند. اسدالله حنیف بلخی، وزیر معارف گفت که جهانی صاحب چرا خاموش است؟ من گفتم قبل از این‌که از امریکا به‌سوی کابل حرکت کنم، با خودم گفتم که اگر دوصد میلیون دالر هم داشته باشم، به کسی به خاطر رای‌اش، دو دالر هم نمی‌دهم. زمانی که به کابل رسیدم، یکی از دوستان ثروتمندم گفت که این کار پول نیاز دارد و دلم را انداخت، به او عین سخن را گفتم و این‌جا هم حرف من، همان است. من ملانصرالدین نیستم که از جیب خودم صدها هزار دالر مصرف کنم و رای بگیرم و بعد از آن با وجه معاش روزگار سر کنم؛ و نه هم دیگران ملانصرالدین‌اند که به من صد هزار دالر بدهد و بعدها چندین برابرش را مطالبه نکند. حرف من در این مورد یکی است، حتا به رییس‌جمهور اجازه نمی‌دهم که به‌خاطر من پول کسی را قبول کند. پهلوی من کاندیدوزیران زن نشسته بودند و با یک‌صدا گفتند که سخنان جهانی صاحب را تایید می‌کنند؛ چرا که یکی از آن‌ها آن‌قدر پول نداشت که بتواند رای بگیرد. مجلس تقریباً بدون نتیجه به پایان رسید و ما برای صرف نان چاشت طرف خانه‌ی حاجی هاشم، وکیل پارلمان روان شدیم. صحبت‌های شب، برخلاف انتظار حاجی ظاهر قدیر، چندان هم محرم نماندند (دیوار موش دارد، موش گوش دارد). ما نان چاشت را در خانه‌ی وکیل صاحب تمام کرده بودیم که جریان جلسه‌ی مجلس نمایندگان به‌صورت مستقیم از پارلمان پخش شد. صحبت‌ها میان حاجی ظاهر قدیر و حاجی الماس زاهد وکیل مردم پروان تلخ شده بود و حاجی الماس زاهد داستان صحبت‌های شب گذشته در منزل حاجی ظاهر و قید کردن تلفن‌های کاندیدوزیران را به میدان کشید. دهن آن‌عده از وکلا که از موضوع بی‌خبر بودند، باز مانده بود. سخن دلچسب این است که ظاهر قدیر تمام جریان را منکر شد و گفت که تمام سخنان شما بی‌جای و غلط است. کاندیدوزیرانی که از همین مجلس نمایندگان رای

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

اعتماد به دست آورده بودند، نه چیزی گفتند و نه چیزی گفته می‌توانستند، به‌خاطری که نه کسی به‌صورت خصوصی و نه هم به‌صورت عمومی، سوالی از آن‌ها نپرسید.

برگزاری انتخابات پارلمان تقریباً یک سال بعد تعیین شده است. حالا که حکومت این‌گونه شکل گرفته و پارلمان هم چنین رفتار می‌کند، من متیقنم که در آینده هیچ تغییر مثبتی نمی‌آید. بازهم وکلای فاسد و پارلمان این‌گونه فاسد ایجاد می‌شود و این پارلمان بازهم به این حکومت فاسد یا یک حکومت فاسد دیگر رای اعتماد می‌دهد. در این حالت، سرنگونی این حکومت فاسد از مجرای زور، تنها غم این وطن را طولانی می‌کند و بازهم ده‌ها هزار افغان بیگناه قربانی می‌شوند، تا وقتی که در جامعه، مخصوصاً بزرگان، شعور ملی و اجتماعی پیدا نکنند، و تا زمانیکه بزرگان یک اپوزیسیون تاثیرگذار را شکل ندهند، انتخابات هیچ یا چندان فایده‌ی ندارد. باز همان آش است و همان کاسه. البته این به این معنا نیست که در انتخابات سهم نگیریم، بلکه تنها راه انتخابات است. اما انتخابات باید با طرح ملی همراه باشد و باید افغان‌های پاک یا نسبتاً پاک را در پارلمان یا برای رهبری قدرت انتخاب بکنیم.

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې دليکنيزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ